



## ۳۸- مین سالگرد شهادت خسرو روزبه قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

«حزب توده ایران، این افتخار را دارد که قائم به نیروی توده های ملت است و به خاطر منافع مردم تلاش می کند و چون نیروی ملت ها بی پایان و زوال ناپذیر است، حزب توده ایران نیز زوال ناپذیر خواهد بود و مأموریت تاریخی خود را عمل خواهد کرد...»  
(از دفاعیات خسرو روزبه در دادگاه نظامی)  
در سپیده دم ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۳۷، رفیق خسرو روزبه، چهره درخشان و جاوید تاریخ معاصر میهن ما، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی مردم ایران، به دست رژیم

ادامه در ص ۳

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۷۹ دوره هشتم  
سال دوازدهم، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۵

در دفاع از پناهندگان  
و پناهجویان ایرانی در  
ترکیه فعالیت خود را  
تجدید می کنیم

دولت ارتجاعی ترکیه همچنان به فشارهای غیر انسانی خود علیه پناهجویان ایرانی در این کشور ادامه می دهد. در هفته های اخیر خبرهای نگران کننده ای از یورش پلیس ترکیه و دستگیری مخفیانه جمعی از پناهجویان و حتی اخراج آنان به دست مارتسیده است. کمیته هماهنگ کننده پناهجویان در ترکیه، در فراخوانی از همه نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه ایرانی خواست تا در کارزار یک هفته ای که به ابتکار این کمیته و همکاری نیروهای مترقی ایرانی در کشورهای مختلف اروپایی سازمان یافته است شرکت کنند و صدای اعتراض این هم

ادامه در ص ۶

طرح «جداسازی» جنسی:  
توطئه ای بزرگ  
و فاجعه آمیز علیه زنان ایران!  
در ص ۵،۴  
پیروزی چپ در ایتالیا -  
آغازی نو  
در ص ۸

## مردم و پنجمین دوره «انتخابات» مجلس شورای اسلامی

- **کارگر شهرداری:** «به کارگر درست نگاه نمی کنند. به اسم کارگر انقلاب شد، اما کارگران را انداختند زیر پا و له کردند.»
- **کارمند:** «در انتخابات شرکت نمی کنم. چون آنهایی که قبلاً رفتند به مجلس کاری برای ما نکردند و اینها هم همان کاندیداهای قبلی هستند.»
- **دانشجوی فوق لیسانس:** «[دو جناح] تصور نمی کنم فرق زیادی داشته باشند. به نظرم یک تفکیک ظاهری است و آرمان های آنها با هم فرقی نمی کند... یک هدف واحدی دارند و آن را هم از روی شمارها می توان فهمید.»
- **خانم دانشجوی تربیت معلم:** «دلم می خواهد بیشتر به خانم ها رأی بدهم. شاید از حقوق زنان دفاع کنند؟. به نظر من حقوق ما بیشتر پایمال شده است.»

در چارچوب برگزاری پنجمین دوره «انتخابات» مجلس شورای اسلامی برخی از نشریات مجاز کشور، از جمله روزنامه «سلام» با مردم عادی درباره این «انتخابات» مصاحبه هایی انجام داد که بسیار افشاگر و خواندنی است. در زیر جنگی از این اظهار نظرها را نقل می کنیم.

• **«از عملکرد مجلس چهارم راضی هستید؟»**  
عربشاهی، راننده شرکت واحد: والله نه، چون نارضایتی ها زیادتر شده که کمتر نشد.

دانشجوی رشته حقوق: به طور کامل نه، به خاطر اینکه مجلس چهارم یکدست بود و مجلسی که یکدست باشد... در آن مجلس تبادل اطلاعات و بحث نخواهد بود. ب. ز. ۷۰ ساله، کارگر شهرداری: به کارگر درست نگاه نمی کنند. به اسم کارگر انقلاب شد، اما کارگران را انداختند زیر پا و له کردند.

دانشجوی دوره دکترا: نه. بین آن چیزهایی که می گفتند و عملکردشان خیلی فاصله بود و در این دوره مردم فشار زیادی را متحمل شدند.

• **فکر می کنید هزینه تبلیغات کاندیداها از کجا تأمین می شود؟**  
راننده شرکت واحد: از جیب مردم! از جیب ملت.

دانشجوی رشته حقوق: مطمئن نیستم. شنیده ام که چند نفری دورهم جمع می شوند و سرمایه ای را به طور مشترک در اختیار نامزد انتخاباتی می گذارند. اگر این شخص انتخاب شد یک سری هواداری های اقتصادی - اجتماعی از این افراد بکند. توحیدی - کارمند: من نمی دانم ولی فکر می کنم که تمام این هزینه ها را بعداً خود ما باید متقبل بشویم!

ادامه در ص ۳

## نتایج و پیامد های پنجمین دوره «انتخابات» مجلس شورای اسلامی برای رژیم «ولایت فقیه»

با پایان دومین مرحله «انتخابات» و روشن شدن نتایج این مرحله خیمه شب بازی پنجمین دوره «انتخابات» مجلس شورای اسلامی به پایان رسید. علی رغم پیروزی جناح «رسالت» در این «انتخابات» (کسب بیشترین تعداد کرسی ها در مجلس - از جمله ۲۲ کرسی از ۳۰ کرسی تهران) این جناح نتوانست برنامه خود را برای کنترل انحصاری مجلس به اجرا درآورد و ترکیب مجلس حاکی از آغاز دوران جدیدی از برخوردها و مبارزه جناح های رژیم است.

حزب توده ایران مدت ها قبل از برگزاری «انتخابات» ضمن تأکید بر تشدید روند برخوردها در رژیم جمهوری اسلامی از جمله اعلام کرد: «با افزایش درگیری ها و تنش ها در درون جامعه و تشدید جو سرکوب و خفقان به منظور ارباب مخالفان، حال نشانه های جدی از بروز اختلاف ها و ایجاد صف بندی های نوین در درون حاکمیت جمهوری اسلامی به چشم می خورد...»  
(«نامه مردم» ۳۰ آبان ۱۳۷۴) ما در تحلیل ماهیت و علل این برخوردها اضافه کردیم: «گروه حاکم، یعنی نمایندگان کلان سرمایه داری تجاری ایران... گروه «رسالت» در یک یورش منسجم و سازمان یافته هدف خود را برای تأمین سلطه کامل بر ارکان «نظام» زیر شعار «مرگ بر ضد ولایت فقیه» آغاز کرده است و با یاری جستن از اکثریت خود در مجلس،

ادامه در ص ۶

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!





### تیرباران و زندانی سیاسی

«حزب کمونیست کارگری ایران» اطلاع داد که دو تن از اعضای این حزب به اسامی «سلیم صابرنیا» و «مصطفی قادری» روز چهارشنبه ۲۲ فروردین ماه به جوخه اعدام سپرده شدند. بر اساس اطلاعیه این حزب، این دو نفر، که «در میدان مبارزه مسلحانه در ... کردستان» فعال بودند، در سال ۱۳۶۹ طی یک درگیری زخمی و دستگیر شده بودند و به مدت ۶ سال در زندان‌های تبریز و ارومیه تحت شکنجه قرار داشتند. ما از همه نیروهای مترقی و انساندوست می‌خواهیم که صدای اعتراض خود را نسبت به این اعدام‌ها به گوش جهانیان برسانند.

### اعتراض به گرانی

در اعتراض به گرانی شدن بهای بنزین و روغن موتور از سوی دولت، رانندگان تاکسی و آژانس‌های کرایه اتومبیل در ملایر دست به اعتصاب زدند. همچنین، طبق گزارش حزب ملت ایران: «در روز چهارشنبه ۲۲ فروردین ماه، در پی اعتراض شماری از بانوان ساکن خیابان پامنا تهران نسبت به گرانی بیش از پیش بهای کالاها و فراورده‌های مورد نیاز عموم، گروهی از نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به این خیابان ریخته و پس از آن که مأموران رژیم به بانوان یاد شده توهین نمودند، تظاهراتی از سوی مردم خشمگین علیه گرانی کمرشکن و رفتار ضدانسانی مأموران جمهوری اسلامی صورت گرفت. شاهدان

عینی تعداد تظاهرکنندگان را صدها تن گزارش کرده‌اند.»

### فشاریه «بهمن» تعطیل شد

هفته نامه «بهمن»، که عطاء الله مهاجرانی معاون حقوقی و پارلمانی رییس جمهور و سخنگوی گروه «کارگزاران» مدیر مسؤول آن است، در آخرین شماره خود در ۸ اردیبهشت ماه، طی یادداشت کوتاهی از احتمال تعطیل شدن این نشریه خبر داد. «بهمن» علت این امر را «ناتوانی در بالابردن کیفیت نشریه» اعلام کرد و نوشت که این نشریه بیش از آنچه انتظار می‌رفت مورد حمایت و مورد حساسیت قرار گرفته است. یک روز پس از آن، نشریه «سلام» خیر تعطیلی دائم نشریه «بهمن» را منتشر کرد. هفته نامه «بهمن»، که از دی ماه ۷۴ آغاز به انتشار کرده بود، عملاً به عنوان ارگان جناح رفسنجانی شناخته شد و در عرصه فعالیت‌های انتخاباتی، نقشی مؤثر به نفع این جناح و بیان دیدگاه‌های آن ایفا کرد.

### آرای بیشتر برای زنان

نشریه «عصر ما»، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، طی تفسیری از «حضور فعال زنان در عرصه انتخابات»، افزایش تعداد زنان نامزد نمایندگی مجلس در تهران و شهرستانها، و «اقبال عمومی در انتخاب زنان برای نمایندگی» به عنوان «پدیده‌ای قابل تأمل»، یاد کرد. «عباس عبدی» نیز طی تحلیلی در روزنامه «سلام»، به «مسأله زنان در انتخابات» پرداخت. او ضمن تأکید بر انتخاب زنان به عنوان نمایندگان اول و دوم در شهرهایی مانند تهران، اصفهان، همدان و ملایر، و راه یافتن تعداد بیشتری از زنان به مرحله دوم انتخابات در مقایسه با دوره‌های قبلی مجلس، انتخاب یک زن حتی در شهر کوچکی مانند ملایر را حائز اهمیت دانست و افزایش چشمگیر آرای زنان را به عنوان پاسخ مردم به سیاست‌های به شدت ارتجاعی و زن ستیز جناح رسالت ارزیابی کرد. طبق تحلیل عباس عبدی، متوسط آرای بازده کاندیدای زن که در مرحله اول انتخاب شدند و یا به مرحله دوم راه یافتند، ۳۷۴ هزار رأی، یعنی ۲۰ هزار رأی بیشتر از متوسط آرای کاندیداهای مرد (۳۶۴ هزار رأی) بوده است. همچنین بر اساس این تحلیل، متوسط آرای سرانه کاندیداهای زن در تهران، ۵۴ هزار رأی بیشتر از متوسط آرای سرانه کاندیداهای مرد در تهران

## خبرهایی از دومین مرحله «انتخابات»

بوده‌اند.

- خبرگزاری رویتر گزارش داد که «جامعه روحانیت مبارز» (جناح رسالت)، علی‌رغم پیروزی چشمگیر خود در تهران، اکثریت قاطع را در مجلس از دست داده است.
- بر اساس ارزیابی روزنامه «جمهوری اسلامی»، ۳۵ درصد از نمایندگان انتخاب شده از همفکران «جامعه روحانیت مبارز» و ۳۳ درصد آنها از حامیان گروه «کارگزاران» هستند.
- «جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب» (به سرپرستی ریشهری و نزدیک به خامنه‌ای)، با انتشار بیانیه‌ای ترکیب مجلس آینده را «متوازن» خواند.
- هفته نامه «بهمن» در شماره ۸ اردیبهشت، طی مقاله‌ای اساسی خود نوشت که «دیگر نمی‌توان مجلس و دولت انحصاری داشت». به گفته این نشریه، دولت آینده «دولتی فراگیر» خواهد بود و هیچ جناحی نمی‌تواند نهاد اجرایی را به انحصار خود درآورد.

- «اسلامی»؛ و خاموشی (رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران). این بدان معنا است که رهبران اصلی (و ظاهراً پشت پرده) جناح رسالت موفق به راهیابی به مجلس نشدند. این واقعیت، در کنار میزان رأی ناطق نوری (که در واقع فرد جلوی صحنه جناح رسالت است)، مشکلات جناح رسالت را در اعمال حاکمیت انحصاری روشن می‌کند.
- از میان ۷ نفر دیگری که در مرحله دوم به نمایندگی از تهران به مجلس راه یافتند، یک نفر مستقل و ۶ نفر از لیست «کارگزاران» بودند که ۴ نفر از آنها در لیست کاندیداهای گروههای «ائتلاف خط امام» قرار دارند.
- هر سه نفر کاندیدای «خانه کارگر» در تهران (سرحدی زاده، محجوب و سهیلا جلودار زاده) به مجلس راه یافتند.
- هفته نامه «بهمن» در آخرین شماره خود، و روزنامه «همشهری»، اعلام داشتند که از ۹۵ نفر انتخاب شده در مرحله دوم در شهرستانها، ۵۱ نفر از کسانی هستند که مورد حمایت گروه «کارگزاران»

### ۵۰ درصد افزایش قیمت مسکن در تهران

یک مقام شهرداری تهران اخیراً اعلام کرد که طی یک سال گذشته، قیمت مسکن در این شهر بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. این مقام شهرداری تهران، در توضیح علل افزایش بهای مسکن، محدودیت‌های ایجاد شده در زمینه خرید و فروش ارزهای خارجی، از رونق افتادن بازار معاملات سکه طلا، کاهش خرید و فروش خودروهای خارجی و همچنین شرایط اقتصادی کشور را سبب هدایت سرمایه‌ها به سوی خرید و فروش و ساخت و ساز مسکن، و در نتیجه افزایش قیمت مسکن، اعلام کرد.

### بازگشت سرمایه داران فراری

روزنامه «کیهان» در یکی از شماره‌های اخیر خود، با اشاره به بازگشت تعدادی از سرمایه‌داران فراری رژیم شاه، نوشت: «گفته می‌شود که تاکنون تعداد قابل توجهی از آن ۵۱ نفر معروف که شورایی انقلاب در تیرماه ۵۸ صنایع شان را ملی اعلام و اموالشان را به نفع ملت مصادره کرد، بازگشته‌اند و موفق به استرداد بخشی از اموال خود شده‌اند.» «کیهان» به عنوان نمونه این «سرمایه‌داران فراری» دیروز و پیمانکاران خوب امروز» که اموال خود را پس گرفته‌اند، از «امیراسکندری» و «گلزار» نام برد.

### چگونگی پرداخت بدهی‌های خارجی

دولت جمهوری اسلامی در سال ۷۳، ۵ میلیارد و در سال ۷۴، ۵/۶ میلیارد دلار از بدهی‌های خود را پرداخت کرد. اما به علت انتقال بدهی‌های کوتاه مدت به بلندمدت، که منضم پرداخت بهره بیشتری است، مبلغ کل بدهی‌های خارجی تغییر چندانی پیدا نکرد و از ۲۳/۲ میلیارد دلار (بدون احتساب اعتبارات اسنادی و بهره‌های آینده وام‌های خارجی) در سال ۷۲، به حدود ۲۲/۹ میلیارد دلار در پایان آذرماه ۷۳ رسید.

این بدان معنا است که پس از پرداخت ۱۰/۶ میلیارد دلار در عرض دو سال، از کل بدهی‌های خارجی ایران تنها حدود ۲۳۰ میلیون دلار کاسته شده است!



ادامه: ۳۸ - مین سالگرد شهادت خسرو روزبه ...

استبدادی و ضد ملی شاه به جوخه اعدام سپرده شد. رفیق خسرو روزبه، مبارزی ثابت قدم، وفادار، انسان دوستی پر شور و متفکری مین دوست و انقلابی بود که تمام زندگی پر بار خود را در خدمت ستمدیدگان قرار داده بود. او یکی از برجسته ترین افسران وقت ارتش ایران و از محبوب ترین و با دانش ترین اساتید دانشکده افسری در سال های دهه ۲۰ خورشیدی بود.

علی رغم تمامی امکاناتی که برای روزبه در آن زمان وجود داشت، او راه مبارزه در راه توده های کار و زحمت را برگزید و در دادگاه نظامی علل انتخاب این راه را چنین توضیح داد: «من نسبت به آن رژیم تنفر عمیق و دشمنی آشتی ناپذیر پیدا کرده ام که به قیمت بدبختی، فقر، گرسنگی و محرومیت هجده میلیون نفر از افراد ملت ایران، همه مواهب زندگی را برای هزار خانواده ممتاز تأمین کرده است... مطالعه سطحی اوضاع کنونی جامعه ایران و مقایسه شرایط زندگی طبقات مختلف نمی تواند موجب تأثر و تألم انسان نگردد... من شک ندارم هیچ انسان شرافتمندی نمی تواند این همه بدبختی را ببیند و احساس کند، ولی نسبت به منشأ آن که اصول سرمایه داری است، دشمنی آشتی ناپذیر پیدا نماید... من به اقتضای آتشی که به خاطر خدمت به خلق های ایران در درون سینه ام شعله می کشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تاروپود وجودم توده ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم...» (همانجا)

خسرو روزبه در ۱۵ تیر ماه سال ۱۳۳۶، در سر قرار توسط یک خائن لو رفت و در حلقه محاصره نیروهای مسلح دشمن پس از مقاومتی دلیرانه دستگیر شد. شاه خائن توسط سرهنگ آزموده جلال معروف کودتای ۲۸ مرداد، کوشش زیادی برای خرد کردن عزم و اراده روزبه کرد. اما روزبه سرفراز و با صلابت توطئه های دشمن را نقش بر آب کرد. دادگاه نظامی که در زندان برپا شده بود تنها یک هدف داشت. روزبه خوب می دانست که دفاع از اعتقاداتش و دفاع از حزب، مرگ و اعدام را به دنبال خواهد داشت. علی رغم این او با دلاری کم نظیری پر شور و بی هراس از حزب خود و منافع کارگران و زحمتکشان ایران دفاع کرد و دفاعیه او سند کوبنده ای در محکومیت رژیمی گردید که به دست کودتاچیان آمریکایی و انگلیسی بر مین ما تحمیل شده بود.

نسل در نسل مبارزان جنبش چپ ایران با وابستگی سازمانی گوناگون، از او الهام گرفتند، به او باایندند و از او آموختند. قهرمان شهید خلق، رفیق رحمان هاتقی (مهرگان) در این مورد با اشاره به زندگی همایون کتیرایی یکی از چهره های درخشان جنبش چریکی در سال های دهه ۴۰ و ۵۰ می نویسد: «کتیرایی گفته بود: هروقت در زیر شکنجه بی تاب می شدم، هروقت آخرین قطره های ررقم تحلیل می رفت، روزبه بالای سرم حاضر می شد، مشت هایش را گره می کرد و با اطمینانی مهیب لبخند می زد. چه تسلایی...» (از کتاب نقدی بر دیالکتیک آرش). علی رغم گذشت ۳۸ سال از این واقعه، دشمنان مردم ایران هنوز از خسرو روزبه در هراسند و تلاش می کنند تا با دروغ پردازی و فریب، چهره درخشان و اسطوره ای این قهرمان خلق را کدر کنند. خصوصاً در سال های پس از یورش رژیم جمهوری اسلامی به حزب توده ایران در سال های ۶۱ و ۶۲، مسوولان و گردانندگان دستگاه های امنیتی رژیم، به پیروی از ساواک و جلادانی نظیر آزموده و زیبایی، تلاش کردند تا با انتشار نوشته ها و «خاطره نویسی ها» به نام افراد زیر عنوان «تاریخ»، به عنوان نکته ای کلیدی و محوری زندگی و مبارزه و شخصیت خسرو روزبه را قلب و مخدوش کنند و از چهره انسانی، شریف، خلل ناپذیر او فردی «ماجراجو»، «تروریست» و «خودخواه» تصویر کنند. یاوه هایی از این قبیل، نیاز به پاسخ ندارد. تنها باید یادآور شد که زندگی انقلابی و شهادت قهرمانانه خسرو روزبه، جای این سرباز صادق خلق را در تاریخ معاصر کشور ما جاودان کرده است. بذری که روزبه در بیدادگاه نظامی شاه بر زمین کاشت و در میدان اعدام در سحرگاه ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۳۷، با فریاد رسای «مرگ بر شاه، زنده باد حزب توده ایران» آبیاری کرد، در فردای انقلاب بهمین به ثمر نشست و موج نوینی از افسران دلاور خلق، افضلی ها، کبیری ها، افزایی ها، و... پرچم خونین رزم را با افتخار به دوش گرفتند و آن را به نسل بعدی سپردند.

جاوادنگی روزبه در زندگی رزمجویانه و شهادت قهرمانانه اوست و از این رو است که علی رغم تلاش های دشمنان مردم ایران، خسرو روزبه همچنان در قلب مردم ما به حیات جاودانه خود ادامه می دهد و راه و روش زندگی و مبارزه اش همچون مشعلی فروزان گرما بخش جان های پاک است که گام در راه او می گذارند و مبارزه ناتمام او را پی می گیرند.

ادامه مردم و «انتخابات»

• و اما حقیقت چیست ؟

ناشناس: اینکه وزارت ارشاد صورت هزینه های تبلیغات روحانیت مبارز را ۱۷ میلیون تومان درآورده است واقعیت ندارد. فقط در دور اول انتخابات حدود ۱۵۰ میلیون تومان از مراکز تهیه و توزیع کالا، کاغذ و فیلم و زینگ به قیمت دولتی دریافت کرده اند. چک های خرید را هم آقای... به آقای... داده اند و اسناد آن هم در وزارت بازرگانی، مراکز تهیه و توزیع کالا موجود است...»

• از خیمه شب بازی «انتخابات» تا زندگی دردناک و فاجعه بار مردم عادی

معلم: امروز شاهد ماجرای بودم که واقعاً دلم را به درد آورد. دانش آموزی را برای درس کنار تخته فرا خواندم که دیدم بعد از چند لحظه افتاد به زمین. با آب قند حالش را جا آوردیم. معلوم شد که حدود سه الی چهار روز است غذا نخورده است. بعد از تحقیق متوجه شدیم پدرش قبلاً در جبهه های جنگ بوده است و بعد بر اثر حادثه ای فوت می کند و مادرش که در زیر زمین متروکه ای زندگی می کند مجبور است برای امرار معاش فرزندان در یک تولیدی کار کند که الان حدود دوهفته است تولیدی تعطیل شده است و حالا مادر این بچه قادر به سیر کردن شکم فرزندان نیست...»

• دم خروس آراء

روزنامه سلام: کسی که در تهران ۴۰۰ هزار رای بیاورد، حدود ۱۰ درصد آرای واجدین شرایط رای را در حوزه تهران کسب کرده است... به عبارت دیگر نمایندگان کنونی تهران که در مرحله اول انتخاب شده اند (ناطق نوری و دختر هاشمی) با حدود ۲۰ درصد آراء به مجلس راه پیدا کرده اند و نمایندگان انتخاب شده در مرحله دوم با رای بین ۵ تا ۱۰٪ از واجدین شرایط به مجلس راه پیدا کرده اند!! نکته دیگر که بر اساس گزارش جمهوری اسلامی ۲ میلیون نفر در «انتخابات» تهران رای دادند که ۵۰ درصد واجدین شرایط است و نه ۸۰ درصد!

روانه

تا یکی شود صدایمان  
تا بهار تازه ای،  
به خنده واکنده دهان  
بلوغ يك نگاه تازه را،  
به راه رفته مگذار.  
ببین گه باغ مان،  
به انتظار کار مشترک  
حیات سبز خویش را،  
به دست های ما نهاده است.

بین عزیز:

زمان،  
سوار پُر شتاب عمر  
زبان،  
کلید قفل های ناگشودنی  
نهان،  
چه کرده ای دو دست؟  
هر چه هست،  
زندگی است  
در خور من و تو نیست،  
بی صدا،  
جدا، جدا،  
روانه،  
پشت این غبار  
پشت این سوار پُر شتاب.  
xxx

رنج من،  
عمر رفته زنی است  
بی نصیب خُرده های نان!  
پاره های استخوان!  
رنج تو،  
زوزه های سرد باد،  
حجم خالی اتاق  
و چشم های بی فروغ کودکی که با ولع،  
پوستی چروکیده را،  
نهاده در دهان!  
تا یکی شود صدایمان  
تا بهار تازه ای،  
به خنده واکنده دهان،  
ای عزیز:  
رنج من،  
رنج تو،  
رنج ماست.  
در خور من و تو نیست  
بی صدا،  
جدا، جدا،  
روانه،  
پشت این غبار...

ح.مهرگان ، ژانویه ۹۶

آزادی برای همه  
زندانیان سیاسی  
ایران!



# طرح «جداسازی» جنسی: توطئه ای بزرگ

## و فاجعه آمیز علیه زنان ایران!

بسیار گسترده، این بار تحت پوشش «جداسازی» و به بهانه جلوگیری از «فساد اخلاقی» [؟!]. به اجرا در خواهد آمد.

بدون تردید، سقوط کمی و کیفی مهارت های علمی و فنی زنان، و گسترش سیاست «جداسازی» در دیگر عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به بیکاری و خانه نشینی هرچه گسترده تر زنان و تحمیل شرایط فلاکتبار و غیرانسانی هرچه بیشتر بر آنان، خواهد انجامید. باید انتظار داشت که بر اثر این سیاست ها، انواع و اقسام بیماری های روانی و عصبی، خودکشی، فقر، فساد و فحشا، که هم اکنون به عنوان عوارض مستقیم بحران اقتصادی گریبانگیر بیش از نیمی از جمعیت کشور ما است، در میان زنان و دختران ایران ابعاد بی سابقه و فاجعه بارتری پیدا کند.

### «جداسازی» و بهداشت زنان

آمارهای محدود قابل دسترس در زمینه بهداشت و درمان، تصویر دردناک دیگری از پیامدهای عملی طرح «جداسازی» که با شتابزدگی از سوی رژیم به اجرا گذاشته شده است، ارائه می کند. بر اساس آمار موجود، ۱۶ درصد پزشکان سراسر کشور زن هستند. طبق آخرین آمار سال ۱۳۶۵، مجموع پزشکان، دندانپزشکان، پرستاران و بهیاران زن کشور از ۴۷ هزار نفر تجاوز نمی کند! در حال حاضر، طبق آمار سازمان جهانی بهداشت، نسبت تعداد پزشکان ایران به کل جمعیت کشور، ۲۸۵۴ نفر در مقابل یک پزشک است. و این در حالی است که این نسبت در کشورهای پیشرفته صنعتی مانند آلمان، ۴۰۰ به یک است.

نکته مهم، توجه به این مسأله است که رقم ناچیز فوق بدون تفکیک جنسی محاسبه شده است. اگر تعداد زنان جراح و پزشک متخصص در رشته های مختلف، مانند قلب و عروق، مغز و اعصاب، غدد سرطانی، انواع تخصص های داخلی، و به ویژه متخصصان زنان و زایمان را که همیشه اکثریتشان مرد بوده اند، به طور جداگانه در نظر بگیریم، تنها نتیجه ای که از برنامه «جداسازی» جنسی از خدمات پزشکی می توان گرفت این خواهد بود که زنان بیماری که نیاز به پزشک متخصص یا جراح دارند، به جای امید به بهبود، باید برای مرگ خود روزشماری کنند!

نتایج خطرناک این تصمیم نابخردانه و زن ستیزانه، که منجر به استفاده از افراد غیرمتخصص و ناوارد در امر بهداشت و درمان زنان شده است، از هم اکنون قابل رؤیت است. مصاحبه روزنامه «سلام» (۲۲ آبان ۷۴) با خانم دکتر احمدی، مشاور وزیر بهداشت در امور زنان، در این مورد دارای نکات افشاگرانه و قابل توجهی است. مصاحبه گر روزنامه «سلام» در مقابل پاسخ های ناشی از بی اطلاعی و عدم احساس مسؤولیت خانم مشاور وزیر

روزنامه «سلام» (۲۴ آبان ۷۴)، ۴۸ درصد دانش آموزان، ۳۵ درصد معلمان و ۳۵ درصد کارکنان دولت را دختران و زنان تشکیل می دهند. ارقام فوق گویای عدم تناسب میان تعداد معلمان زن با دانش آموزان دختر است. هرچند از دیرباز مدارس دخترانه و پسرانه در شهرهای ایران از یکدیگر جدا بوده اند، اما این تفکیک جنسی شامل معلمان نمی شده است. با اجرای طرح «جداسازی»، و به علت کمبود معلم زن، یا تعداد بیشتری از دختران میهن ما از تحصیل محروم خواهند شد و یا این مسأله به افزایش باز هم بیشتر نسبت تعداد دانش آموزان دختر به هر معلم خواهد انجامید. چنین وضعی در بهترین حالت به استخدام معلمان جدید فاقد تخصص و تنزل باز هم بیشتر کیفیت آموزش دختران و زنان ایران منجر خواهد شد. تأثیر مستقیم چنین روندی ورود هرچه کمتر دختران و زنان به مراکز آموزش عالی، و در نهایت جذب کمتر آنان به بازار کار خواهد بود.

اگر به نتیجه گیری فوق برخی از کمبودها و مشکلات موجود را نیز بیافزاییم، ابعاد عواقب وخیم اجرای این طرح در مرحله آموزش ابتدایی و متوسطه دختران بیشتر نمایان می شود:

۱- تعداد مدارس و فضای آموزشی متناسب با تعداد دانش آموزان نیست. در اثر این کمبود، بیشتر کلاس های مدارس با بیش از ۶۰ دانش آموز و همچنین در ۲ یا ۳ شیفت فشرده، که منطبق با کاهش ساعات درسی همراه است، تشکیل می شود. طبق گزارش روزنامه «سلام» (۳۰ آذر ۱۳۷۳)، در مناطق عقب مانده و دورافتاده، کلاس های مدارس روزانه حتی در ۵ یا ۶ شیفت برگزار می شود!

۲- تعداد معلمان زن روستایی بسیار محدود است، بنابراین اجرای این طرح باعث محرومیت اکثریت بزرگی از دختران روستایی از آموزش خواهد شد.

۳- کمبود، و تقریباً نبود، کادر و وسایل و تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی برای تدریس علوم تجربی، همواره باعث عدم موفقیت آموزش علوم تجربی، به ویژه در میان دانش آموزان دختر بوده است.

وضعیت آموزش عالی زنان از این نیز دشوارتر است. کمتر از ۳۵ درصد دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی را دختران تشکیل می دهند. این در حالی است که بر اساس یک نتیجه گیری از آمار منتشره در مجله «زنان» چاپ تهران (شماره ۲۱)، نسبت زنان در مجموع اعضای هیات علمی دانشگاه ها حدود ۱۲/۶ درصد است. به بیان ساده، طبق طرح «جداسازی»، ۳۵ درصد کل دانشجویان باید توسط ۱۲/۶ از اساتید دانشگاه ها، آموزش داده شوند. گذشته از عدم تناسب شدید میان ارقام فوق، با توجه به این که در برخی از رشته های آموزش عالی، اصولاً استاد زن وجود ندارد، دختران و زنان ناچار خواهند بود از تحصیل در بسیاری از رشته های دانشگاهی صرف نظر کنند. و بدین ترتیب، ممنوعیت تحصیل دختران در برخی رشته ها، که چندی پیش تحت فشار افکار عمومی داخل و خارج کشور و مقاومت تحسین برانگیز زنان میهن ما لغو شده بود، بار دیگر در سطحی

آیین نامه «انطباق امور پزشکی با موازین شرعی» در آبان ماه گذشته به بیمارستان های دولتی ابلاغ شد. بر اساس این آیین نامه، تمام خدمات پزشکی و کمک پزشکی باید تابع برنامه «جداسازی» جنسی شده و بیماران زن و مرد باید فقط توسط همجنس خود تحت درمان قرار گیرند. در پی اجرای آیین نامه مذکور، تاکنون دو بیمارستان «ویژه زنان» در قم و ساری فعالیت خود را آغاز کرده اند.

بدین ترتیب برنامه «جداسازی» زنان که از چند سال پیش با پرده کشیدن در کلاس های دانشگاهی، جدا کردن وسایل نقلیه عمومی، سالن های سینما و تأثیر و غیره شروع شده بود، با به اجرا گذاشتن این آیین نامه در مراکز خدمات درمانی، وارد مرحله ای جدید و خطرناک شد.

رژیم جمهوری اسلامی مکارانه وظیفه بسیج افکار عمومی برای اجرای این طرح را به زنان همکار حاکمیت - مشاورین وزارت خانه ها در امور زنان، نمایندگان زن مجلس و برخی از وابستگان حکام رژیم - واگذار کرده است. به عنوان نمونه، طاهره موسوی سرشت، مشاور وزیر کشور در امور زنان و رییس کمیسیون بانوان سراسر کشور، در رابطه با برنامه «جداسازی» جنسی رژیم در مصاحبه ای که اخیراً با روزنامه «سلام» به عمل آورد گفت: «امروز چه کسی است که نداند اختلاط زیاد زن و مرد مفسده برانگیز است؟ چه کسی است که نداند حضور یک زن و مرد در اطاق های در بسته برای شخصیت زن و مرد مفید نیست؟... امروز بخش زنان در اغلب بیمارستان ها دایر است و این را می توان تعمیم داد!»

همه شواهد موجود حاکی از آن است که برنامه «جداسازی» به عنوان یک برنامه حساب شده و همه جانبه در دستور کار ارتجاعیون حاکم قرار دارد.

پایه های فکری این طرح در ارتجاعی ترین و خرافی ترین نظرات در مورد شرع اسلام قرار دارد و هدف طراحان و مدافعان آن کاهش هرچه بیشتر و حتی حذف کامل نقش زنان در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، و تأمین تمام و کمال حاکمیت مردسالاری در جامعه، و از این راه، کسب منافع هرچه بیشتر اقتصادی از طریق تشدید استثمار زنان است.

این هدفی بسیار تنگ نظرانه و غیر واقع بینانه است که علاوه بر صدمات جدی انسانی، عواقب وخیم اقتصادی و اجتماعی مهمی برای کل جامعه ایران به دنبال خواهد داشت. اجرای این طرح باعث کاهش فزاینده تمام امکانات مادی و معنوی لازم برای زنان، و قبل از هر چیز امکانات آموزشی و بهداشتی برای زنان و دختران میهن ما خواهد شد.

### «جداسازی» و آموزش زنان

طبق آمار نقل شده از هاشمی رفسنجانی در



**ادامه جدا سازی جنسی ...**

بهداشت، که در تمام گفت و گو به وضوح دیده می شود، از مشاور بهداشتی می پرسد: «در مورد ماماها، اینها الان دارند به نحوی در امور پزشکی زنان دخالت می کنند. یعنی علاوه بر کار خودشان، به بیماری های زنان هم پذیرش می دهند و حتی نسخه می نویسند. ما در روزنامه انتقاد کردیم و وزارتخانه جواب داد که یک چنین چیزی به دلیل کمبود پزشک زنان وجود داشته و امیدواریم که در آینده از بین برود». و خانم دکتر احمدی با خونسردی غیرمسئولانه ای پاسخ می دهد: «اگر شناختی از وظایف ماماها داشته باشید، وظیفه آنها دقیقاً مداخله پزشکی است!»

همین حق «مداخله پزشکی» برای ماماها و سایر افراد فاقد صلاحیت علمی و تخصصی، تا حد نوشتن نسخه و حتی، به نقل از مصاحبه فوق، تجویز «آنتی بیوتیک»، از هم اکنون زندگی و سلامت دختران و زنان مین ما را که به خاطر جهل و خرافه پرستی سران مستبد زن ستیز رژیم «ولایت فقیه» از پزشک متخصص محروم شده اند، در معرض خطر جدی قرار داده است.

عمق و شدت بی توجهی رژیم به امر بهداشت زنان، که مستقیماً سلامت کودکان را نیز تحت تأثیر قرار می دهد، در وعده «سرخرمن» آنها برای ایجاد یک بیمارستان مخصوص زنان - آری تنها یک بیمارستان - در سطح هر استان در طول ده سال آینده (!!)، به وضوح دیده می شود (دکتر سهراب پور، دبیر شورای انطباق امور پزشکی، نقل از «سلام»، ۱۱ آبان ۷۴).

این حرکت خشن علیه زنان، نه تنها ریشه در نظریات ضد انسانی و ضد زن افرادی نظیر آیت الله یزدی دارد که از تربیون نماز جمعه اعلام کرد مردان مسؤلیتی در قبال بیماری های سخت زنان خود، حتی در صورت توانایی مالی، ندارند، بلکه در عین حال تصمیمی است آگاهانه در جهت هرچه محدودتر کردن خدمات درمانی دولتی و بیمه های درمانی به منظور فراهم کردن زمینه های هرچه بیشتر برای سرمایه گذاری های بخش خصوصی و باز گذاشتن دست سرمایه داران بزرگ در غارت زحمتکشان مین ما.

**«جداسازی» و اشتغال زنان**

در این تردیدی نیست که یکی از اهداف رژیم در اجرای طرح «جداسازی» جنسی، به دست آوردن سودهای بیشتر از طریق استثمار پنهان زنان است. لبه اصلی این حمله، متوجه زنان شاغل و فعال در امور مختلف در سطح کشور است. در عین حال باید تأکید کرد که برنامه «جداسازی» در زمینه آموزش و بهداشت در مناطق روستایی، محرومیت های بیشتری را نسبت به گذشته به زنان تحمیل خواهد کرد و فجاج بیشتری را برای آنان به دنبال خواهد آورد. آمار شاغلین در کشور ما تنها افرادی را در بر می گیرد که در مؤسسات دولتی و آن بخش از مؤسسات خصوصی که تحت پوشش قانون کار قرار دارد، فعالیت می کنند. این آمار در رابطه با زنان شاغل، اندکی بیش از یک میلیون را نشان می دهد که بیش از ۶۰ درصد آن را زنان شاغل شهری تشکیل می دهند. در نتیجه، این رقم در برگیرنده میلیون ها زن، که در باغ ها و مزارع، کارگاه های قالی بافی، انواع صنایع دستی و کارگاه های خانگی، بدون هیچگونه حمایت قانونی و مزایای شغلی مانند حداقل سطح دستمزد، حق بیمه، حق بیکاری، بازنشستگی و... در شرایط بسیار طاقت فرسا کار می کنند، نیست.

در حال حاضر، بر اساس نوشته روزنامه «کار و کارگر»، بیش از ۸ میلیون نفر در کشور فقط در صنعت فرش شاغلند. طبق سنت قالی بافی در ایران، اکثریت قریب به اتفاق بافندگان قالی زنان و دختران خردسال هستند. «تولید خانگی» و «کار کنتراتی» در سال های اخیر به دلیل فشار اقتصادی، بیکاری و فقر فزاینده، به ویژه در میان زنان زحمتکش گسترش شدیدی یافته است.

تجار بازار، با به کارگیری مشتی لمپن و چاقوکش در نقش دلال ها و واسطه ها و سلف خرها، سلطه و کنترل کامل خود را بر این منابع سود دهی محبوس در چهاردیواری خانه ها، فارغ از هرگونه مسؤلیت قانونی، تأمین می کنند. قالی بافی و انواع کارهای دستی از قبیل سری دوزی، تکه دوزی، گلدوزی، بافندگی و قلاب بافی، گلیم و جاجیم بافی، حوله بافی، تهیه خشکبار و شیرینیجات و... از جمله موارد تولید خانگی هستند که در حال حاضر عمدتاً توسط زنان و دختران روستایی و حاشیه نشینان شهرها انجام می گیرند.

این جمعیت چند میلیونی هرگز وارد محاسبات رسمی دولتی نمی شوند. اما در واقع بخش بزرگی از سودهای کلان و در نتیجه ارقام نجومی تقدینگی بخش خصوصی و به ویژه تجار بازار، که امروز در رأس حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارند، از غارت و چپاول وحشیانه کار و زحمت همین جمعیت چند میلیونی زنان و دختران به دست آمده و می آید.

رهبران واپسگرا و زن ستیز رژیم جمهوری اسلامی در نظر دارند با اجرای برنامه «جداسازی» جنسی، این شیوه استثمار پنهان زنان را تا قلب شهرهای بزرگ نیز گسترش دهند. به عبارت دیگر، رژیم نه در پی بیکار کردن زنان، بلکه در پی انتقال زنان از بخش های اشتغال رسمی و نسبتاً قانونی، به بخش های پنهان و غیرقانونی، و تشدید استثمار زنان از طریق کاهش هرچه بیشتر دستمزدهای آنان است. بدین ترتیب، ایدئولوگ ها و طراحان برنامه «جداسازی» در حاکمیت، که خود از برنفوذترین و قدرتمندترین تجار بازار و سرمایه داران بخش خصوصی هستند، نه تنها منافع مالی فراوانی را که در حال حاضر با اعمال ده ها قانون تبعیض آمیز نسبت به زنان شاغل شهری و رسمی، به ویژه کارگران زن، به دست می آورند، از نظر دور نداشته اند، بلکه با افزایش تعداد بیکاران زن در صورت اجرای این طرح، و روی آوردی ناگزیر آنها به «تولید خانگی»، به کسب سودهای باز هم بیشتری از این راه حریصانه چشم دوخته اند.

**«جداسازی» کوششی برای سرکوب جنبش زنان**

رژیم جمهوری اسلامی، با وجود وضع انواع و اقسام قوانین علیه حقوق زنان و ایجاد رعب و وحشت ناشی از اقدامات به شدت خشن و سرکوبگرانه و تنبیهی، تاکنون نتوانسته است به مقاصد خود علیه زنان و تأمین کامل مردسالاری در جامعه دست یابد. دلیل این عدم موفقیت رژیم را بی شک باید در مقاومت جسورانه و قابل تحسین زنان و جنبش اعتراضی رو به رشد آنها جست و جو کرد که علی رغم پراکندگی و عدم تشکل و انسجام سازمانی، حتی توانسته عقب نشینی های معینی را به دستگاه حاکمه تحمیل کند.

از این رو است که مرتجعین زن ستیز حاکم بر کشور می کوشند تا با عوام فریبی های مذهبی، از طریق اجرای برنامه «جداسازی»، با یک تیر هدف های چندگانه ای را نشانه بگیرند. آنها می کوشند با اجرای سیاست «جداسازی» زنان، از فعالیت و

مشارکت آنها در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور جلوگیری کنند، جنبش اعتراضی زنان برای کسب حقوق برابر با مردان را سرکوب و متوقف سازند و با تبدیل زنان به موجوداتی بیمار، زبون و ناتوان در مقابل مردان، آنها را هرچه بیشتر مورد استثمار وحشیانه قرار دهند.

هرچند با توجه به واقعیات موجود در روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و قدمت و پایه های تاریخی جنبش زنان در جامعه ایران، موفقیت کامل رژیم در اجرای طرح «جداسازی» جنسی از هم اکنون غیرمحتمل به نظر می رسد، با این وجود نمی توان در مقابل اقدامات زن ستیزانه و جنایتکارانه رژیم در جهت پیاده کردن طرح «جداسازی» جنسی و خطرات جانی، بهداشتی، آموزشی و شغلی این طرح برای زنان ساکت نشست.

وظیفه سازمان ها، احزاب و شخصیت های مترقی، و به ویژه مدافعان حقوق زنان در داخل و خارج از کشور است که با بسیج افکار عمومی، با حداکثر نیرو مانع اجرای این برنامه زن ستیزانه رژیم شوند.

باید با تمام قوا و استفاده از همه امکانات از طریق بسیج افکار عمومی اجرای این طرح را متوقف کرد. در این راستا قبل از هر چیز آگاه کردن زنان از ابعاد احتمالی این برنامه در آینده و توضیح مستدل در مورد عواقب شوم آن در زندگی خصوصی و اجتماعی زنان ضروری است، باید کوشید با استفاده گسترده از امکانات مطبوعاتی درون کشور و همچنین نشریات ویژه زنان در داخل و خارج از کشور، تبلیغات عوامفریبانه، موهن و تحقیرآمیز رژیم در مورد «مفسده برانگیز بودن حضور زن و مرد در یکجا» را افشا کرد و با بسیج عمومی مانع ادامه آن شد.

باید با گسترش ارتباط با اقشار مختلف زنان، به ویژه زنان زحمتکش، ضمن کسب اطلاع دقیق تر و عینی تر از مشکلات و موانع شغلی و زندگی خصوصی آنها، بحث های ضرور و مناسب را برای یافتن راه های مقابله با تعرضات زن ستیزانه رژیم سازمان داد و با تشویق و تهیهیج، به ویژه زنان زحمتکش مین ما را در این مبارزه فعال کرد. باید کوشید ضمن آشنا کردن زنان با حقوق حقه خود و موانع موجود بر سر راه آنها، از طریق انتقال تجارب و ایجاد هماهنگی میان محافل مختلف زنان، به راه ها و شیوه هایی که بتواند آنها را در غلبه بر مشکلاتشان یاری کند، دست یافت.

XXX

**برای رهایی زنان از ستم جنسی، نابرابری اجتماعی و دستیابی به آزادی مبارزه خود را تشدید کنیم!**



## ادامه: نتایج و پیامدهای انتخابات

قوة قضائیه، شورای نگهبان، ولی فقیه و غیره مصمم است تا تمام رقبای احتمالی را از سر راه بردارد... و در نتیجه گیری و پیش بینی روند این برخوردها نوشتیم: «در ماه های آینده باید منتظر حادثه شدن آتش برخوردها و تنش ها در درون حاکمیت جمهوری اسلامی بود... نکته دیگر آنکه از سر راه برداشتن رفسنجانی و هواداران او قاعدتاً نمی تواند به آسانی پاکسازی های قبلی باشد و گسترش برخوردها می تواند رژیم را همچون باتلاقی در خود فرو برد.» (همانجا)

سیر رویدادها، صحت ارزیابی دقیق حزب ما را از روند تحولات کشور نشان داد. بالا گرفتن برخوردها در درون حاکمیت، در حدی که جناح «رسالت» و «ولی فقیه» از مخالفان با عنوان «لیبرال» هایی که «آنتن شان» متوجه کشورهای غربی و آمریکا است، نام بردند و محسن رضایی مخالفان را به دخالت مستقیم سپاه پاسداران در امور سیاسی کشور تهدید کرد. در کنار این برخوردها، فعال شدن مجدد گروه های چاقو کش و قداره بند «انصار حزب الله» و یورش این گروه ها به برخی جلسات «انتخاباتی» ابعاد درگیری های نوین در درون حاکمیت را نشان می دهد. جناح «رسالت» علی رغم استفاده از تمامی امکانات دولتی، همان طوری که حزب ما پیش بینی کرده بود، نتوانست رفسنجانی و هواداران او را از مجلس بیرون براند و از این نظر «انتخابات» مجلس پیروزی مهمی برای جناح رفسنجانی به شمار می رود. عدم «انتخاب» گروهی از سرشناس ترین چهره های جناح «رسالت» مانند عسگر اولادی، بادام چیان و خاموشی، در عین حال نشانگر تفرق مردم از این جناح و برنامه های آنان است.

برخوردهای دو جناح «رسالت» و «کارگزاران سازندگی» در جریان «انتخابات» مجلس نشان داد که موضوع «انتخابات» ریاست جمهوری عرصه ای است که بر شدت برخوردهای میان این دو جناح خواهد افزود و تهدیدهای سید علی خامنه ای و محسن رضایی نیز قسماً به دلیل نگرانی های آنان از نتایج چنین برخوردهایی است.

از هم اکنون روشن است که گروه رفسنجانی با توجه به تجربه و نتایج کسب شده، با امیدواری زیاد به «انتخابات» ریاست جمهوری نظر دارد و جناح «رسالت» نبرد سخت و دشواری را پیش رو دارد.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، این است که کاندیدای هر کدام از دو جناح حاکمیت که بتواند در «انتخابات» ریاست جمهوری پیروز شود، با توجه به ترکیب مجلس پنجم کار دشواری در پیشبرد برنامه های خود در مجلس خواهد داشت و در مجموع همه شرایط از تشدید بازم بیشتر درگیری ها در ماه های آینده حکایت می کند.

جناح رفسنجانی تلاش دارد تا با ارائه چهره ای «مدرن» و «رفرست» از یک سو ذهن مردم را از عملکرد مخرب دولت جمهوری اسلامی (متشکل از ائتلاف رسالت و گروه رفسنجانی) که کشور را در آستانه ورشکستگی کامل قرار داده است، و فقر و محرومیت را تشدید کرده است، منحرف کند و از سوی دیگر این توهم را ایجاد کند که حمایت از این جناح، یعنی حمایت از «رفرم» و حرکت به سمت «مدرنیزه» کردن رژیم جمهوری اسلامی است. (رفیق تر کردن چهره اسلامی).

چنین ادعاها و عوام فریبی هایی به هیچ وجه تازگی ندارد. هاشمی رفسنجانی در سال های گذشته

(خصوصاً پس از مرگ خمینی) همواره تلاش کرده است، چنین چهره ای از خود به جامعه ارائه کند. در حالی که عمده ترین برنامه رژیم جمهوری اسلامی از ادامه روند سرکوب و ترور تا برنامه «تعدیل اقتصادی» به پیشنهاد و ابتکار او به مرحله اجراء در آمده است. «ائتلاف» رفسنجانی و «رسالت» در آستانه چهارمین دوره «انتخابات» مجلس شورای اسلامی اینطور وانمود می کرد که گروه های «رادیکال» در مجلس سد راه «رفرم» اقتصادی و اجتماعی در مجلس هستند و با کنار گذاشتن آنان از مجلس می توان راه «بازسازی و نوسازی» کشور را هموار کرد. نگاهی به عملکرد حاکمیت این دو گروه در چهار سال گذشته نادرستی چنین ادعاهای عوام فریبانه ای را روشن می کند.

اگر بخواهیم ویژگی های این دوران را بیان کنیم، باید از تشدید همه جانبه بحران اجتماعی - اقتصادی، تشدید ظلم و تعدی و فساد بی سابقه دستگاه اداری و قانونی کردن ترور و اختناق (زیر لوی قانون تعزیرات) سخن بگوییم. هدف گروه رفسنجانی از تبلیغ چنین نظراتی روشن است. آنان خواستار جا انداختن این نظر هستند که آلت رناتیبی در مقابل رژیم استبدادی وجود ندارد و بنابراین مردم باید میان «بد» و «بدتر» انتخاب کنند. چنین اندیشه ای هدف اساسی اش حفظ رژیم «ولایت فقیه» و در واقع ادامه تأمین حاکمیتی است که در هفده سال گذشته استبداد قرون وسطایی بر مردم و مین ما تحمیل کرده است.

حزب توده ایران سال ها است به این نتیجه رسیده است که ساختار قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» که هدف اساسی آن تأمین ادامه حکومت روحانیون بر ایران است «رفرم» پذیر نیست. این نظر، حداقل، در بوته تجربه های گوناگون (خصوصاً در دوران جمهوری اسلامی پس از خمینی)، بارها به اثبات رسیده است.

واقعیت این است که رژیم «ولایت فقیه» روند فروپاشی خود را طی می کند و تشدید برخوردها و دسته بندی ها در درون حاکمیت یکی از پیامدهای طبیعی چنین روندی است. ماه های آینده نشان خواهد داد که این روند با گسترش ابعاد برخوردها بر سر «انتخاب» رئیس جمهور تسریع خواهد شد و یا با توافق جناح ها (در صورت که خطر افتادن «کلیت نظام») حرکت کند تری را طی خواهد کرد. داده های امروزمین ما از تشدید برخوردها و تسریع روند فروپاشی حکایت می کند.

و اما آنچه که به جنبش آزادی خواهانه و مردمی کشور ما مربوط است، آلت رناتیبی جز تشدید مبارزه، با هدف تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری و پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه» موجود نیست. جنبش مردمی و آزادی خواهی کشور، نه تنها هیچگونه همخوانی و قربانی با این جناح های ارتجاعی و ضد مردمی ندارد، بلکه مبارزه علیه آنها یکی از اهداف اساسی اش بوده و هست. نمی توان در چنین شرایط حساسی تنها نظاره گر حوادث بود و امیدوار بود تا آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی از درون برخورد های دو گروه ارتجاعی و عمیقاً ضد مردمی در کشور ما تحقق یابد.

تجربه تاریخی می آموزد که تحول اجتماعی نیازمند تلاش و سازماندهی آگاهانه است. باید از تشدید روند برخوردها در درون حاکمیت به نحو احسن برای سازماندهی و تشدید مبارزه استفاده کرد و شرایط را برای ایجاد یک جنبش وسیع توده ای برای تحقق خواست های مردمی آماده نمود.

XXX

## ادامه پناهندگان ایرانی در ترکیه ...

میهنان را به گوش جهانیان برسانند.

کمیته «دفاع از حقوق مردم ایران» در انگلستان که بخش وسیعی از جنبش کارگری این کشور از جمله بزرگترین اتحادیه های کارگری و برخی از چهره های برجسته حزب کارگر این کشور را در بردارد، با صدور اعلامیه اعتراض خود را علیه این اقدامات اعلام کرد. کمیته در نامه ای به پروفیسور بولکی گونبی وزیر کشور ترکیه (از سوی ده ها نماینده پارلمان انگلیس، نمایندگان پارلمان اروپا و اتحادیه های کارگری این کشور) علیه این اقدامات دولت ترکیه اعتراض کرد و اعلام کرد مطلع شده است که دولت ترکیه جهانگیر مهاجری را که توانسته بود از دولت کانادا ویزا نیز دریافت کند، دستگیر کرده و به محل نامعلومی برده است. بر اساس آخرین گزارش ها جهانگیر مهاجری، توسط پلیس این کشور از ترکیه اخراج شده است. در هفته های اخیر نامه های متعددی از سوی نیروهای مترقی ایرانی، از جمله حزب توده ایران، در اعتراض به این اقدام های غیر انسانی دولت ترکیه به محافل بین المللی از جمله سازمان عفو بین الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال شده است. حزب ما افزون بر این در نشستی که به زودی با احزاب کارگری و کمونیستی منطقه خواهد داشت، مسأله ضرورت تشدید فشار بر دولت ترکیه در این مورد را طرح خواهد کرد و خواهان تشدید فعالیت همبستگی با پناهجویان ایرانی خواهد شد.

دفاع از حقوق پناهجویان و پناهندگان ایرانی در ترکیه، یک وظیفه ملی و انسانی است که باید تلاش ها در این زمینه را تشدید و گسترش داد. حزب توده ایران، ضمن محکوم کردن اقدام های خودسرانه و غیر انسانی دولت ترکیه، از همه نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه ایرانی می خواهد تا تلاش مشترک برای کمک به پناهجویان و پناهندگان ایرانی در ترکیه را دو چندان کنند.

## ادامه پیروزی چپ در ایتالیا ...

رابطه با اتحادیه اروپا و پیمان ماستریخت کوشش خواهد کرد که به نحوی منافع طبقه حاکمه و بی روحیه ایتالیا را حمایت کند. در چنین صورتی، دولت درخت زیتون و حزب چپ دموکراتیک به درگیری با طبقه کارگر متشکل و نیروهای مترقی چپ کشیده خواهند شد. نیروهای چپ و اتحادیه های کارگری در ماه های اخیر با تظاهرات چند صد هزار نفری خود علیه کاهش دستمزدها و تأمین اجتماعی، که در عمل محصول پیوستن به ماستریخت است، نشان داده اند که خواستار چه اصلاحاتی هستند. نقش حزب احیاء کمونیستی در این مرحله بسیار حیاتی خواهد بود. اگر جناح هایی از ائتلاف درخت زیتون تلاش کنند که با ادامه تقسیم بندی های قدیمی مربوط به دوران جنگ سرد، حزب احیاء کمونیست را منفرد سازند، درگیری های سیاسی ناشی از آن به عدم ثبات عمده تری خواهد انجامید که فقط به نفع راست افراطی خواهد بود. اگر از سوی دیگر، حزب احیاء کمونیستی بتواند توان اساسی خود را در پارلمان، کارخانجات، جوامع و در خیابان ها به نمایش بگذارد، آنگاه ائتلاف متمایل به چپ چاره ای جز توافق با آن نخواهد داشت.

در چنین شرایطی این انتخابات، برخلاف ظهور کاذب برلوسکونی در سال ۱۹۹۴، می تواند نمایشگر آغاز جدیدی باشد که تمامی ترقی خواهان ایتالیایی در انتظار آن بوده اند.





**رهبر جدایی طلبان چچن کشته شد**

خبر کشته شدن ژنرال جوهر دودایف که از طرفداران پر و پا قرص استقلال چچن از روسیه بود، بحث های داغی را پیرامون این حادثه برانگیخته است. رسانه های گروهی روسیه دودایف را نه چندان سازمانده که سبب جنبش جدایی طلبانه می دانند و از اینرو معتقدند که مرده دودایف از زنده آن خطرناک تر است.

هواداران دودایف تهدید کرده اند که انتقام او را خواهند گرفت. گفته می شود که درگذشت دودایف برای برخی از نخبگان سیاسی شاخص در روسیه نیز خطرناک است؛ زیرا اسناد و روابط پنهانی آنها با رژیم دودایف می تواند علنی و منتشر شود.

بسیاری از آگاهان سیاسی معتقدند که دودایف و رژیم او زاده و دنباله رژیم یلتسین بوده است؛ و یلتسین بود که ژنرال دودایف را در راس حکومت چچن و اینگونه منسوب کرد و به او امکان داد که به توانایی عظیم مالی و تسلیحات دسترسی یابد، زیرا ایجاد چنین نیرویی را در چچن کمک موثری در مبارزه باخطر کسب قدرت در مسکو می دید. ولی زاده قدرتمندان کرملین بازی خود را در چچن برآه انداخت.

**کنفرانس ساریوو**

به گزارش «اسلوبودژنه» در ۲۲ فروردین، نمایندگان ۱۴ کشور مسلمان (نمایندگان ۱۰ کشور علی رغم دعوتی که شده بودند در آن شرکت نکردند) در کنفرانسی در ساریوو به بحث در مورد کمک به بازسازی بوسنی و تجهیز و تعلیم ارتش آن پرداختند. مقامات بوسنی از نتیجه کنفرانس چندان راضی نبودند زیرا میزان کمک های جمع آوری شده چشم گیر نبود.

ترکیه تعهد کرد که ۸۰ میلیون دلار کمک کند و ایران قول کمک ۵۰ میلیون دلاری داد. عزت بگوویچ به نمایندگان گفت که بوسنی به کمک آنها نیاز دارد. مقامات بوسنیایی معتقدند که برای جبران خسارات جنگ و خرابی ها، بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری لازم است.

به گزارش آژانس خبری فرانسه در ۲۹ فروردین کشورهای عربی خلیج فارس عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت تعهد کردند که ۱۰۰ میلیون دلار برای آموزش و تسلیح ارتش بوسنی کمک کنند. وعده کمک کشورهای عربی در جریان مسافرت «توماس ماک مک کلاتی»، مشاور کاخ سفید که اخیرا از منطقه خلیج بازدید کرد، علی رغم مخالفت کشورهای اروپایی حاصل شد. رئیس جمهور ایالات متحده گفت که او «عمیقا از دست و دلبازی و درک» کشورهای خلیج فارس سپاسگزار است. روند تسلیح بوسنی و این حقیقت که مقدار قابل توجهی از این کمک ها به کروات ها خواهد رسید، خلاف موافقتنامه دایتون است بر طبق این موافقتنامه باید موازنه نظامی بین متحدان کروات ها و مسلمان ها از یکسو و صرب ها از سوی دیگر حفظ شود.

در ایالات متحده این سؤال بطور فزاینده ای این مطرح است که این کشور تا چه حد در جریان تحویل اسلحه از طریق ایران به بوسنی قرار داشته است.

**گرسنگی رو به افزایش است**

طی هفته آخر ماه آوریل، کنگره جهانی کشاورزان در ورسای برگزار شد. مدیر کل سازمان خوار بار و کشاورزی سازمان ملل متحد، ژاک دیوف، طی سخنانی تاکید کرد که باید سریعاً تولید جهانی غلات را افزایش داد، زیرا وضع خواربار جهان نگرانی آور است. وی اضافه کرد که از سال ۱۹۷۰ بیش از ۸۰۰ میلیون نفر در جهان با گرسنگی دست بگریزانند. از آن هنگام وضع مرتباً بد و بدتر می شود، ذخیره غلات کاهش یافته و قیمت آن افزایش می یابد.

سخن رانان دیگر کنگره خاطر نشان کردند که سنگینی عمده کار تولید محصولات کشاورزی در کشورهای جهان سوم بر دوش زنان کشاورز است؛ از جمله ۸۰ درصد کار تولید غله در آفریقا و ۶۰ درصد در آسیا به عهده زنان زحمتکش است. در عین حال، همین زنان زحمتکش برای تامین هزینه خانواده خود، بیش از یک دلار در روز درآمد ندارند.

**برخورد یک جانبه غرب با روسیه**

رهبران هفت کشور سرمایه داری جهان به بهانه شرکت در یک اجلاس امنیت هسته ای، در ۳۰ فروردین تا اول اردیبهشت در مسکو گرد آمدند و به طور مستقیم و غیر مستقیم حمایت خود را از کارزار انتخاباتی یلتسین به نمایش گذاشتند. او در جریان این اجلاس، ملاقات های دو جانبه ای با رئیس جمهور آمریکا، فرانسه و نخست وزیر ژاپن انجام گرفت که هدف آن مطرح شدن یلتسین به عنوان یک رهبر درجه یک در جهان بود. در ۳۱ فروردین، یلتسین ریاست مشترک جلسه گروه هفت کشور غربی را در مورد امنیت هسته ای عهده دار شد. این جلسه با صدور بیانیه ای خواستار امضاء قرارداد منع آزمایش سلاح های هسته ای تا قبل از پایان شهریور ماه و همچنین تدوین و اجرای استانداردهای امنیت هسته ای شد.

گرچه مطبوعات روسیه تاکید داشتند که غرب بطور فزاینده ای منافع روسیه را در نظر می گیرد، برخی اختلاف نظرهای جدی در جریان اجلاس ظهور کرد. از جمله پیشنهاد یلتسین برای استقرار سلاح های قدرت های اتمی منحصر در خاک خود و همچنین ایجاد محدوده عاری از سلاح های هسته ای در اروپای شرقی و مرکزی مورد توافق قرار نگرفت. گنادی زیوگانف، رهبر حزب کمونیست

فدراسیون روسیه، در مقاله ای (در نشریه سوستکیاروسیا - ۲۹ فروردین) به اجلاس گروه هفت کشور سرمایه داری و همچنین کارنامه یلتسین در دفاع از منافع روسیه حمله کرد. زیوگانف گفت که بر خلاف کوشش مطبوعات و محافل وابسته به دولت یلتسین، غرب در حقیقت از این اجلاس استفاده خواهد کرد تا «حق حاکمیت دولت روسیه را بفرساید». او به یلتسین حمله کرد که اجازه داده است غرب «یک برخورد یک جانبه» را در مورد مسایل امنیت هسته ای تحمیل کند که در آن روسیه به عنوان یک تهدید ویژه برای امنیت جهانی تصویر شده است. او چنین تصویر «کاملاً بی پایه» را یک نسخه وصله پینه شده «مفهوم امپراطوری شیطانی» ریگان دانست و یلتسین را متهم کرد که به دلیل بی کفایتی خود، اجازه داده است که روسیه «مستقیماً» به اعانه و کمک های دیگر کشورها و سازمان های بین المللی تحت کنترل آنها «وابسته شود».

**در خاورمیانه : همکاری نظامی ترکیه با آذربایجان و ادامه تحریم اقتصادی عراق**

**ترکیه آماده مدرنیزه کردن نیروهای مسلح آذربایجان**

مسعود یلماز، نخست وزیر ترکیه، در ۲۵ و ۲۶ فروردین از باکو بازدید کرد و در گفتگوهای رسمی خود با حیدر علی اوف، در مورد برخوردهای ناگورنو-قره باغ و همچنین صدور نفت حوضه دریای خزر آذربایجان به بحث نشست. طبق گزارش بنگاه خبری آذربایجان، یلماز همچنین آمادگی ترکیه را به ارائه «هرگونه کمکی» به آذربایجان در مدرنیزه کردن نیروهای مسلح این کشور اعلام کرد. علی اوف گفت که نظراب رهبران دو کشور در مورد مسایل بین المللی و منطقه ای اگر یکسان نباشد خیلی نزدیک است. یلماز همچنین قول داد که معبر مرزی عالیکان ترکیه به ارمنستان، تا هنگامیکه ارمنستان از خاک آذربایجان عقب نشینی نکرده است، باز نخواهد شد. روزنامه جمهوریت ترکیه در ۲۷ فروردین از قول

وفا قلی زاده، مشاور حیدر علی اوف در امور روابط خارجی، نوشت گرچه یلماز یک «سیاستمدار بزرگ» است ولی او در مساله قره باغ یک «آماتور» است.

**عراق و تحریم اقتصادی**

اصرار ایالات متحده و انگلیس در بازه رعایت صریح شرایط شورای امنیت در مورد هرگونه از سرگیری صادرات نفت عراق، مذاکرات بین عراق و سازمان ملل را در ۳ اردیبهشت به مخاطره انداخت. مقامات رسمی سازمان ملل و عراق دیداربرنامه ریزی شده خود را لغو کردند ولی قرار بود که روز بعد برای پیدا کردن راه حل اختلاف هایشان بر سر میز مذاکره بنشینند. اگر این مذاکره (سومین دور مذاکره) که از ماه

بهمن آغاز می شود، به شکست بیانجامد، عراق غرب را مقصر مخصمه ای که مردم غیر نظامی عراق درگیر آن هستند قلمداد خواهد کرد. مردم عراق در سال های اخیر از تحریم اقتصادی اعمال شده از سوی سازمان ملل سخت رنج برده اند. ولی واشنگتن و لندن ادعا می کنند که آنها چیزی بیشتر از تبعیت قاطع از قطعنامه سال گذشته سازمان ملل که به موجب آن عراق مجاز است عمدتاً جهت تهیه غذا و دارو تا ۲ میلیارد دلار نفت بفروشد، انجام نداده اند. گفته می شود که بطوروس غالی، دبیر کل سازمان ملل، صدام حسین را متقاعد کرده است که در مخالفتش با مذاکرات سرسختی را کنار بگذارد، زیرا برای حصول توافق نیاز به انعطاف احساس می شود.



# پیروزی چپ در ایتالیا

## «آغازی نو»

علیه جنبش کارگری و حزب کمونیست پر قدرت ایتالیا خلاصی نیافت. انفجار درونی سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ میلادی را که همزمان با شکست سوسیالیسم در کشورهای شرق اروپا رخ داد می‌توان واکنشی در مقابل از بین رفتن سوسیالیسم دانست که تا این زمان به عنوان عنصر متحد کننده بخش‌های رقیب و متضاد طبقه سرمایه داری عمل می‌کرد.

ایجاد جنبش «ایتالیا به پیش» برلوسکونی و ائتلاف آن با حزب نفوقاشیستی تغییر نام یافته، در عمل عکس العملی در مقابل تحولات تند این سال‌ها بود. در همین دوره، اختلافات در حزب کمونیست ایتالیا، بین آنانی که روزیونیسم «کمونیسم اروپایی» را پیشه کردند که بعدها منجر به ایجاد حزب چپ دموکراتیک شد، و آنان که از ایده‌های کمونیستی دفاع کردند و حزب کمونیست را احیاء کردند، را نمی‌توان بی‌ارتباط با تحولات این سال‌ها دانست.

مطبوعات و محافل سرمایه داری سعی خواهند کرد که «خطرات» ستون اصلی ائتلاف درخت زیتون، همین حزب چپ دموکراتیک را به هسته اصلی بحث‌ها و تحلیل‌های خود بدل کنند. در حقیقت، ایدئولوگ‌های سرمایه داری هیچگاه چپ دموکراتیک را به دلیل سابقه کمونیستی آن «نبخشیده» اند، و بسته به نیاز خود معمولاً از آن یا به نام کمونیست‌های سابق و یا کمونیست‌های اصلاح شده نام می‌برد. ولی این حقیقت که بازار مالی ایتالیا یک روز پس از اعلام نتایج انتخابات نشانه‌هایی از ثبات را بروز داد دال بر این است که فساد مالی و بی‌ثباتی سیاسی تا چه حد باعث سقوط اطمینان در محافل سرمایه داری ایتالیا و اروپا بوده است.

از نظر نیروهای مترقی و کمونیست و کارگری، هرچند نتایج انتخابات مثبت و از نظر تاریخی گسستی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود، ولی به نظر می‌رسد حزب چپ دموکراتیک، به ویژه در

کشور تقویت کند.

حمایت ۱۲ درصد زحمتکشان ایتالیا و به ویژه مناطق کارگری اومبریا و توسکانی از حزب احیاء کمونیستی و همچنین موفقیت چشمگیر حزب چپ دموکراتیک در «کمر بند قرمز» امیلیارومگنا، مارچه، توسکانی و اومبریا و تصاحب ۳۵ درصد آراء سراسری نمایشگر یک تحول عمده اجتماعی در ایتالیا می‌باشد. مردم ایتالیا که از بی‌ثباتی سیاسی ۵ دهه اخیر که محصول زد و بند مافیا، واتیکان، سیا و سرمایه داری ایتالیا برای بیرون نگاهداشتن حزب کمونیست از قدرت دولتی بوده، شدیداً بیزار هستند، با حمایت یکپارچه از نیروهای چپ عملاً امکان شروع جدیدی را در حیات سیاسی ایتالیا مطرح کرده اند.

\*\*\*

دولت جدید باید تفاوت ماهوی خود را با تمامی دولت‌های فاسد و ضد مردمی قبل از خود به نمایش بگذارد. مردم ایتالیا به یاد دارند که این انتخابات فقط دو سال پس از زمانی انجام می‌گیرد که سیلویو برلوسکونی و انگل‌های سیاسی اطرافش، نفوقاشیست‌ها و حامیان سرمایه داری بزرگ مدعی بودند نظام سیاسی کهنه گانگسترزده را به دولت تمیزی تبدیل خواهند کرد که بتواند در جهت منافع دراز مدت سرمایه داری عمل کند. پس از گذشت دوسال و تعویض چندین نخست‌وزیر، جنبش «ایتالیا به پیش» برلوسکونی، که برپایه‌های امپراطوری عظیم مطبوعاتی او استوار بود، نشان داده است که فقط پوششی برای رشد «اتحاد ملی» نفوقاشیست‌ها بوده است.

در حالیکه برلوسکونی عرصه مبارزات انتخاباتی را در جهت دادگاه ترک می‌کند تا پاسخگوی سؤال‌های بازم بیشتر در مورد زد و بندهای تجاری خود باشد، جیان فرانکو فیینی، رهبر «اتحاد ملی» مترصد کوبیدن مهر خود بر ائتلاف دست راستی است که از حالا به بعد نقش اپوزیسیون اصلی را برای ائتلاف چپ حاکم ایفاء خواهد کرد.

\*\*\*

برای درک نوسانات تند سیاسی ایتالیا و اینکه چگونه راست و محافل مافیایی توانستند بیش از ۵ دهه مانع تمردهای مبارزات طبقه کارگر بشوند، باید به دوره پس از جنگ دوم جهانی بازگشت. صحنه سیاسی ایتالیا در این دوران به دلیل به کارگیری فاشیست‌های مقهور و اعضای مافیا از سوی ایالات متحده، مداخلات آشکار واتیکان که متحدا سعی در خنثی کردن موج هواداری از سوسیالیسم و طرفداری از حزب کمونیست ایتالیا داشتند، به شدت بی‌ثبات بود. نظام سیاسی ایتالیا هیچگاه از اثرات مداخلات مستقیم سیا و ارتجاع باندهای مافیایی (را در تعیین سمت و سوی آینده

نتایج انتخابات روز اول اردیبهشت ایتالیا را، که ۵۰ سال پس از پایان جنگ جهانی دوم برای اولین بار نیروهای چپ وزنه‌ای تمییز کننده در جهت دادن سیستم قانونگذاری و حکومتی این کشور عمده اروپایی خواهند بود، باید واجد اهمیت تاریخی و فوق‌العاده دانست. ائتلاف پیروزمند درخت زیتون با اکتساب بالاترین اکثریت پارلمانی و تصاحب ۱۵۷ کرسی از ۳۱۵ کرسی موجود در مجلس سنا و ۲۸۴ کرسی نمایندگی از ۶۳۰ کرسی مجلس نمایندگان، مصمم است که پنجاه و پنجمین دولت ایتالیا (پس از جنگ جهانی دوم) را با برنامه‌ای برای ایجاد ثبات سیاسی، ریشه کن کردن فساد و نفوذ مافیا و برخی اصلاحات اجتماعی سوسیال دموکراتیک، تشکیل دهد. رومانو پرودی، پروفیسور اقتصاد و رهبر ائتلاف درخت زیتون اظهار داشت که بلوک اکثریت با ایجاد یک اتحاد عملی با حزب احیاء کمونیستی، اولین دولت میانه متمایل به چپ در تاریخ ایتالیا را تشکیل خواهد داد. ماسیمو آلما، رهبر حزب چپ دموکراتیک (حزب کمونیست سابق) که عمده ترین نیروی ائتلاف پیروز است، گفت: «ایتالیا به راست «نه» گفته است». رومانو پرودی که در دولت آینده پست نخست‌وزیری را خواهد داشت گفت: «درخت زیتون تعداد لازم آرای نمایندگی را برای حکومت کردن در اختیار دارد... حکومت در ایتالیا امری فوق‌العاده مشکل است، لیکن الان این کار غیر ممکن نیست».

حزب احیاء کمونیستی که ۳۵ نماینده در مجلس نمایندگان دارد و حمایت آن برای ایجاد یک دولت اکثریت حیاتی است آماده است که از ائتلاف درخت زیتون حمایت کند ولی به دولت نخواهد پیوست. فائستو برتینوتی، رهبر احیاء کمونیستی، در سوم اردیبهشت در یک مصاحبه مطبوعاتی با رسانه‌های جهان اعلام کرد: «ما آماده ایم که به تولد دولت جدید، به منظور مستحکم کردن پیروزی علیه راست، کمک کنیم». وی افزود که هرچند حزب او وارد دولت نمی‌شود ولی بخشی از اکثریت پارلمانی را تشکیل خواهد داد. رفیق برتینوتی به وضوح خواسته‌های خود از ائتلاف درخت زیتون را چنین مطرح کرد: «لیکن از همان ابتدا باید گفت که این موضع باید در تشکیل کمیسیون‌های پارلمانی و نیز تعیین روسای دو مجلس سنا و نمایندگان تبلور پیدا کند». حزب احیاء کمونیستی، که در دوران انتخابات همراه ائتلاف درخت زیتون مبارزه نموده ولی از تأیید برنامه آن برای دولت خودداری کرده است، از بلوک پیروزمند خواسته است از برخی سیاست‌های اقتصادی راست، به ویژه حمایت از بیمان ماستریخت و توافق‌های اقتصادی اتحادیه اروپا، پاپس بکشد و از منافع طبقه کارگر و اکثریت مردم ایتالیا حمایت کند. برنامه‌های حزب احیاء کمونیستی، مخصوصاً در عرصه‌های خصوصی سازی بخش دولتی و نیز لزوم مرتبط کردن سطح دستمزدها با هزینه زندگی، با برنامه ائتلاف درخت زیتون اختلاف دارد. حزب احیاء کمونیستی معتقد است که تنها راه بوجود آوردن یک دولت پابنات، حمایت از منافع طبقه کارگر و تصویب سیاست‌هایی است که نقش زحمتکشان ایتالیا (و نه رهبران واتیکان و باندهای مافیایی) را در تعیین سمت و سوی آینده

ادامه در ص ۶

### کمک‌های مالی رسیده

تقدیم به حزب عموهای مهربان که برای صلح و عدالت اجتماعی جان باختند  
سیامک از کلن ۱۰۰ مارک  
رفیقی از ایران ۱۰۰ پوند

آدرس: (لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خوداری کنید)

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:479

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm

7 MAY 1996

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

### حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse